[358] زمين كعبه همچون كربلا نيست نبى ما محمد گاه گاهى * به اقليم يمن بودش نگاهى ندانم اندر آن صحرا چه ديدى * كزو بوى خدا را مى شنيدى به هر گلشن گلى رويد خدائى * در آن گل هست بوى آشنائى به هر رنگى گل توحيد رويد * دهد بوى خدائى تا كه بويد اگر امروز آن بو در يمن نيست * ور آن چوپان عارف در قرن نيست برو بو كن زمين كربلا را * كز آنجا بشنوى بوى خدا را مگر أي كربلا خاك بهشتى * كه خاكى مشكبو عنبر سرشتى اگر خاكى به معجز كيميايى * بهشتى ؟ كعبه عرش علائي زمين كعبه همچون كربلا نيست * كه أو آغشته با خون خدا نيست _____